

آزادی محمود صالحی به مثابه ی پیروزی جنبش کارگری است!!!

اول اردیبهشت هشتاد و هفت

کمیته دفاع از محمود صالحی

بهروز خباز، سعید مقدم، مازیار مهرپور، شریفه محمدی، سیروس فتحی، بهزاد سهرابی

محمود صالحی، سرانجام پس از تحمل يك سال و ۱۴ روز شرایط سخت و طاقت فرسای زندان، که نارسایی کلیوی و دیگر نارسایی های جسمی وی، آن را سخت تر و دشوارتر کرده بود، در روز یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۷، البته با قرار وثیقه ای دیگر و برای اتهامی دیگر، از زندان عوامل سرمایه آزاد شد.

محمود صالحی، در طول مدت زندان نیز، هم چون سراسر زندگی پُربار و تأثیر گذار خویش، نشان داد که به راستی لیاقت و شایستگی برخورداری از همه ی ویژگی های يك کارگر آگاه، بی ریا و سرسخت کارگری را دارا می باشد. وی شجاعانه و با افتخار در مقابل همه ی فشارها و محدودیت هایی که به اشکال و صور مختلف از جانب کارگزاران سرمایه متوجه او می شد تا روحیه و پایداری وی را به عنوان یکی از رهبران عملی طبقه ی کارگر در هم بشکند، مقاومت نمود و بدین وسیله و از این راه، گوشه هایی از عزم و اراده ی خستگی ناپذیر طبقه ی کارگر را در مواجهه با معضلات و فشارهای سرمایه و سرمایه داران به نمایش گذاشت. او به دفعات تا آستانه ی مرگ پیش رفت، اما هیچ گاه در مقابل عوامل سرمایه سر تسلیم فرود نیاورد و به تقاضاها و وعده های رنگ و وارنگ و متعدد آنان تمکین ننمود. دستگیری محمود صالحی، آن هم به خاطر بزرگداشت روز جهانی کارگر و برگزاری جشن اول ماه مه و مقاومت و سرسختی وی در مواجهه با ناملایمات، فشارها و شرایط سخت زندان، به رغم همه ی نارسایی ها و محدودیت های پزشکی و درمانی که وی، بطور مداوم با آن دست و پنجه نرم می کرد، وجدان آگاه و بیدار شمار زیادی از کارگران و فعالان کارگری را در سرتاسر جهان به خود معطوف نمود و دست ها و قلب بسیاری از کارگران را به هم پیوند زد و به نوبه ی خود، بخش های وسیعی از آنان را به تلاش و پیگیری برای آزادی این رهبر عملی مخلص و شریف کارگری ترغیب نمود و به تکاپو واداشت.

دیدیم که عوامل سرمایه و سرمایه داران، تمایل نداشتند که محمود صالحی را آزاد کنند و قصد داشتند تا او را هم چنان و البته به بهانه های واهی و پوچ در زندان نگه دارند. اما مقاومت پر شور و شجاعانه ی وی، در دست زدن به اعتصاب غذای خشك که از وی جز پوست و استخوان بر جای نگذاشته بود و همراه با آن اعتراضات گسترده و رو به رشد کارگران و فعالان کارگری در داخل و خارج از ایران و در اقصی نقاط جهان، در نهایت گماشتگان سرمایه را مجبور به عقب نشینی و آزادی وی از زندان نمود.

جا دارد تا در همین جا از تلاش ها و مبارزات بی وقفه ی کارگران و فعالان کارگری و همین طور دوستان و

همراهان این رهبر صدیق کارگران که در قالب " کمیته ی دفاع از محمود صالحی " پیگیری و تلاش خستگی ناپذیری را در طول مدت زندان، برای آزادی وی برعهده داشتند و در دفاع از محمود صالحی و اطلاع رسانی همه روزه و گاه لحظه به لحظه ی شرایط سخت و طاقت فرسای زندان و بیماری وی، برای جلب توجه کارگران آگاه و همه ی وجدان های بیدار در سرتاسر جهان از هیچ کوششی فرو گذار نکردند و سرانجام نیز با تجمع در مقابل زندان و دادگستری شهر سنندج در روزهای چهارم و پنجم فروردین، به سهم خویش و در حد توان، نقش ایفا نمودند، یاد کنیم. و نمی توان از همه ی این ها یاد کرد، اما از خانواده ی گرامی و شریف محمود، به ویژه همسر جسور، وفادار و آگاه او که به راستی برای آزادی وی از زندان لحظه ای آرام و قرار نداشت، یاد نکرد.

محمود صالحی، سرانجام از زندان سرمایه آزاد شد و هم اکنون در میان ماست. آزادی او را می توان به عنوان بخشی از پیروزی جنبش کارگری و نمادی از آزادی طبقه ی کارگر، این طبقه ی محروم و تحت ستم سرمایه به حساب آورد. ما این پیروزی دلچسب را به خانواده ی محترم و گرامی محمود صالحی، تبریک گفته از صمیم قلب برای این کارگر خستگی ناپذیر و این رهبر عملی مخلص و شریف کارگری آرزوی سلامتی و شادکامی در همه ی شئون زندگی و سرفرازی بیش از پیش، در جنبش کارگری را داریم.

بهروز خباز، سعید مقدم، مازیار مهرپور، شریفه محمدی، سیروس فتحی، بهزاد سهرابی

کمیته دفاع از محمود صالحی

۱۳۸۷/۲/۱